

مجموعه  
مقالات برگزیده



همایش  
معلمان  
فرهنگ و توسعه

اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان  
معاونت برنامه ریزی و نیروی انسانی

فرهنگ ، آموزه گفتگوی فرهنگ‌ها و گسترش آن در آموزش و پرورش

### «رضا اسماعیلی»

#### چکیده

در این نوشتار نخست مفهوم فرهنگ در عرف و علوم اجتماعی و کارکردهای آن توضیح داده شده است. مقوله فرهنگ پس از ناکامی برخی از کشورها در مسیر صنعتی شدن و توسعه پایدار و متوازن در سه دهه پایانی قرن بیستم مورد توجه صاحب نظران قرار گرفت. به همین دلیل تأثیر متغیر فرهنگ در ابعاد داخلی و بین‌المللی به عنوان متغیر کلیدی مورد بحث و تبادل نظر اندیشمندان حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی واقع شد. درباره ارتباط فرهنگی بین تمدنهای مختلف به طور کلی دو رهیافت نظری وجود دراد رهیافتی که معتقد به ارتباط فرهنگی نیست و در این حوزه سنت‌گرایان، مدرنیست‌های اثبات‌گرا و پست مدرنیست‌هایی قرار دارند که هر کدام برحسب دلایل خاص خود معتقدند که تمدنها نمی‌توانند با یکدیگر ارتباط داشته باشند. در رهیافت معتقد به ارتباط فرهنگی دید تقابل‌گرایان تمدنی و نظریه گفتگوی تمدنی ملاحظه می‌شود. در این مقاله آراء اندیشمندان برجسته این دیدگاه‌ها یعنی هانتیگتون و خاتمی مطرح شده است. اصول و مبانی نظریه گفتگوی تمدنها مبحث مهم دیگر مقاله کنونی است. اصول مذکور حاصل تبادل نظر نمایندگان عضو کشورهای اسلامی است که در سال ۱۹۹۹ میلادی راجع به موضوع به بحث پرداخته‌اند.

راهبردهای توسعه گسترش آموزه گفتگوی تمدنها براساس برنامه‌های یونسکو از جمله دیگر موارد بررسی این مقاله می‌باشد در پایان راهبردهای عملی گسترش نظریه گفتگوی تمدنها از طریق آموزش و پرورش ارائه شده است. طراحی محتوای مناسب و گنجاندن مطالبی در زمینه‌هایی چون آشناسازی دانش‌آموزان با تاریخ، جغرافیا، فرهنگ سیاسی، اقتصادی، خانواده و سبکهای پرورش فرزند، اعتقادات، باورها، ادبیات، هنر، نظام اخلاقی، نظام هنجاری، سبکهای زندگی، مشاهیر دیگر ملل در کتابهای درسی و ایجاد سازمانهای غیردولتی دانش‌آموزی و معلمان جهت بازدید از کشورهای همدیگر مشارکت در پروژه‌های حفظ محیط زیست و مقابله با بحرانهای زیست محیطی و فجایع طبیعی، و... از جمله پیشنهادهای عملی تحقق آموزه گفتگوی فرهنگ‌ها می‌باشد.

### مفهوم فرهنگ در عرف:

فرهنگ، به عنوان ممیزه، انسان با سایر موجودات در جهان هستی در عرف و ادبیات دارای معانی مختلفی است. هنگامی که ما می‌خواهیم از اخلاق پسندیده کسی تمجید کنیم، او را به عنوان فردی با فرهنگ توصیف می‌کنیم. کسانی را که تحصیلات عالی دارند؛ نویسندگان و آنهایی را که از دانش زیادی برخوردار هستند؛ به عنوان افراد با فرهنگ می‌شناسیم. در کلام و نوشتار به معلمان و کارکنان آموزش و پرورش، فرهنگیان اطلاق می‌کنیم و یا نام وزارتخانه‌ها و سازمانهایی را با واژه فرهنگ مشخص می‌کنیم و...

موارد مزبور از جمله کاربرد واژه فرهنگ در عرف می‌باشد. فرهنگ در زبان فارسی از دو واژه «فر» و «هنگ» تشکیل شده است. فر به معنی جلو، و هنگ به معنای کشیدن و سنگینی است. در ادبیات فارسی اصطلاح فرهنگ به حسب زمانی در مفاهیم متفاوتی به کار رفته است. فردوسی در اشعار خود واژه فرهنگ را مترادف با دانش و هنر می‌داند.

دلت دار زنده به فرهنگ و هوش	به بد در جهان تا توانی مکوش
ز فرهنگ و از دانش آموختن	سزد گز دلش باید افروختن
که فرهنگ آرایش جان بود	ز گوهر سخن گفتن آسان بود
گهر بی هنر زار و خوارست و سست	به فرهنگ باشد روان تندرست

در لغت نامه‌های عمومی زبان فارسی نیز، ذیل واژه فرهنگ، معانی مختلف آمده است: علم و دانش، ادب و پژوهش، فضیلت و عقل، آثار علمی و ادبی یک قوم یا یک ملت، کتاب لغت، نیکویی و ... (۱)

### مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی:

مفهوم فرهنگ همواره از رایج‌ترین و آشناترین، در عین حال پیچیده‌ترین و پرابهام‌ترین مفاهیم مورد استفاده در علوم اجتماعی و بررسی‌های اجتماعی است. (اسماعیلی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۰) تلاش‌های بسیاری از طرف برخی از محققان و صاحب نظران در جهت تبیین فرهنگ صورت گرفته است. اما

(۱) - برای آشنایی بیشتر مراجعه فرمائید به کتاب «تعریفها و مفهوم فرهنگ» تالیف و ترجمه داریوش آشوری، مرکز نشر فرهنگ آسیا، سال ۱۳۵۷.

آنچه که در این میان همیشه این کوششها را با مشکل مواجه کرده، وسعت زیاد مفهوم فرهنگ و کاربردهای آن بطور ناهمگون و مختلف است. (مجله فرهنگ عمومی شماره ۶ - ۱۳۷۵، ص ۶)

کلمه **Culture** که از کلمه لاتینی **Culture** به معنی پرستش گرفته شده در اصل به معنای بزرگداشت و تجلیل حرمت است. چندی بعد این کلمه برای تشریح فرآیند کشت به کار رفت و بعدها به مفهوم پرورش و تهذیب روح و رفتار، استفاده شد. سرانجام در قرن نوزدهم کلمه **Culture** برای توصیف روشنفکری و جنبه‌های زیبایی شناختی تمدن به کار رفت. (یونسکو، ۱۹۹۴، ترجمه فاضلی، ص ۱۳).

تایلر در سال ۱۸۷۱ میلادی در اثر خود با عنوان «فرهنگ ابتدایی» فرهنگ را «مجموعه پیچیده‌ای شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی [دانست] که فرد به عنوان عضو جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را در بر دارد.» (روح الامینی، ۱۳۶۸، ص ۱۷)

در تعریف تایلر، فرهنگ همانا دستاوردهای مادی و معنوی بشر در طول زندگی است. در تلقی دیگر، فرهنگ صرفاً یک امر معنوی دانسته شده است. به نظر لنسکی فرهنگ «مجموع نظامهای نمادین جامعه و اطلاعات و پیامهای مستقر در آنها می باشد.» (لنسکی ۱۳۶۹، ص ۲۴)

مفهوم کلیدی تعریف مذکور «نماد» می باشد. قابلیت ایجاد نماد فقط مخصوص نوع انسانی است. نماد نوعی حامل اطلاعاتی است که معنا و مفهومش بوسیله افرادی که آن را مورد استفاده قرار می دهند معین می گردد.

تامپسون **Thompson** در کتاب خود با عنوان «ایدئولوژی و فرهنگ جدید» در ۱۹۹۲، دو دریافت از فرهنگ ارائه می کند. دریافت توصیفی فرهنگ، بر مجموعه متنوعی از ارزشها و باورها و آئینها و قراردادهای و عاداتها اطلاق می شود و صفت ویژه جامعه‌ای خاص یا دوره تاریخی را به ما می نمایاند. کانون توجه دریافت نمادین، نماد پردازی (**Symbolism**) است. برپایه این دریافت، پدیده‌های فرهنگی همان پدیده‌های نمادینند و بررسی فرهنگ ضرورتاً با نمادها و کنش نمادین مرتبط است.

برپایه دریافت دیگر یعنی دریافت ساختاری، پدیده‌های فرهنگی را می توان به مثابه

صورت‌های نمادین دریافتهای ساختمند بازشناخت و تحلیل فرهنگی را همانا بررسی ساخت و معنادار و بافت سازی اجتماعی صورتهای نمادین تعبیر کرد (گرانپایه، ۱۳۷۷، ص ۱۶ و ۱۷).

از دید یونسکو فرهنگ کلیت تامی از ویژگیهای معنوی، مادی، فکری و احساسی است که یک گروه اجتماعی را مشخص می‌کند. فرهنگ نه تنها هنر و ادبیات را در بر می‌گیرد، بلکه شامل آیین‌های زندگی، حقوق اساسی نوع بشر، نظامهای ارزشی، سنتها و باورهاست (یونسکو، کنفرانس مکزیکو، ۱۹۸۲، به نقل از کتاب فرهنگ و توسعه، ص ۱۳).

در تعریف بیانیه مکزیک می‌توان موارد زیر را تمیز داد:

• سنتها و عقاید؛

• حقوق بنیادین انسانی؛

• نظامهای ارزشی؛

• شیوه‌های زندگی؛

• هنرها و ادبیات؛

حیات اجتماعی از طریق فرهنگ تغییر و استمرار می‌یابد. عوامل تداوم شامل موارد زیر می‌باشد:

• سنتها، عقاید، نظامهای ارزشی و هنجارهای روحی، اخلاقی، قانونی، خانوادگی و اجتماعی، نهادها و ساختارهای قدرت.

• شیوه‌های زندگی، طرز تفکر و تولید، اقدامات، آداب و رسوم، توزیع و کارکردها و وظایف و عاداتهای خوراکی؛

• وقایعی که در جای خود فرهنگ تلقی می‌شوند. مثل جشنواره‌ها، مراسم مذهبی و تاریخی؛

• زمانها و سایر اشکال میراث فرهنگی غیر فیزیکی؛

### کارکردهای فرهنگ (۱)

۱- تامین نیازهای درونی و بیرونی انسان با هدف تامین امنیت و تداوم زندگی ( وایت،

۱۹۷۳، ص ۵۸)

- ۲- ایجاد ارتباط جمعی (پارسونز، ۱۹۵۱، ص ۳۲۷)
- ۳- ایجاد احساس تعلق گروهی و خودآگاهی جمعی و فردی خاصی است که می توان آن را هویت فرهنگی نامید.
- ۴- تضمین بقاء و تداوم تاریخی یک جامعه از طریق فرآیند اجتماعی کردن اعضا از کارکردهای مهم فرهنگ است.
- ۵- ایجاد همبستگی بین اعضای جامعه و ایجاد و حفظ انسجام اجتماعی بین سطوح و نهادها و اجزای مختلف نظام اجتماعی است.

### انواع فرهنگ

فرهنگها را می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

- ۱- **فرهنگ رسوبی:** عبارتست از رنگ آمیزی و توجیه شئون زندگی با تعدادی قوانین و سنن نسبتاً ثابت نژادی و روانی خاص و محیط جغرافیایی و رگه های ثابت تاریخ که در برابر هرگونه تحولات، مقاومت می ورزند و همه دگرگونی ها را یا به سود خود تغییر می دهند و یا آنها را حذف می کنند و در صورتیکه عامل رسوب یک فرهنگ، قوانین طبیعی و انسانی پایدار نباشد، پافشاری برای ابقای نموده ها و فعالیت های «خود» یا به جبر عوامل محیطی هستند خواهد بود و یا به ناتوانی روانی افراد جامعه از تطبیق موقعیت خود با دگرگونی های مفید و سازنده.
- ۲- **فرهنگ مایع و بی رنگ:** این نوع فرهنگ عبارتست از آن رنگ آمیزیها و توجیحاتی که به هیچ ریشه اساسی و روانی و اصولی ثابت تکیه نمی کند و همواره در معرض تحولات قرار می گیرد. البته در جوامعی که دارای پیشینه های تاریخ هستند، این گونه فرهنگ بندرت پیدا می شود، زیرا چنانکه می دانیم فرهنگ گرایی از یک عامل اسای و فعال روانی سرچشمه می گیرد.
- ۳- **فرهنگ خود محوری یا خود هدفی پیرو:** در این نوع فرهنگ، نموده ها و فعالیت هایی که توجیه و تفسیر کننده واقعیات فرهنگی است مطلوب است، بالذات بوده و اشباع آرمانهای فرهنگی را به عهده می گیرند. این «خود هدفی» مختص فرهنگ علمی، تکنولوژی و اقتصادی اکثر جوامع در دو قرن نوزده و بیست بوده است. این «خود هدفی» طبیعت اصلی فرهنگ را که خلاقیت و گسترش آرمانهای زندگی

در ابعاد من انسانی است را کد نموده است. کار دیگری که به جای آنکه بشر به وجود آورنده دانش و تکنولوژی، اداره و توجیه کننده آن دو باشد، خود جزئی غیر مسئول از جریانات جبری آن دو پدیده شده است.

**۴- فرهنگ هدفدار، پویا و پیشرو:** این نوع فرهنگ در محاصره آن نمودها و فعالیتهایی که تحت تأثیر عوامل سیال زندگی و شرایط زودگذر محیط و اجتماع قرار می‌گیرد نمی‌افتد، زیرا عامل محرک این فرهنگ، واقعیات مستمر طبیعت و ابعاد اصیل انسانی است و هدف آن عبارت است از آرمانهای نسبی که آدمی را د جاذبه هدف عالی حیات به تکاپو در می‌آورد.

با کمال اطمینان می‌توان گفت این است آن فرهنگ انسانی که هیچ تمدن انسانی اصیل در گذرگاه تاریخ، بدون وجود چنین زمنیه فرهنگی بوجود نمی‌آید. این است فرهنگی که می‌تواند گریبان خود را از چنگال خود خواهان خودکامه رها کرده، رسالت خود را برای جامعه انجام بدهد. یکی دیگر از مختصات این فرهنگ عبارتست از مات کردن رنگ آن اخلاق و رسوبی که معلول ناتوانیهای فکری و اشباع خلاء واقعگرایی در زندگی و نتیجه مشتی دیگر از عوامل محلی زودگذر و خالی از ایده‌ها و آرمانهای اصیل است. (جعفری، ۱۳۷۳، صص ۹۴ - ۹۳).

### طرح مجدد مقوله فرهنگ

هرمن‌کان محقق آمریکایی در کتاب خود به نام «ژاپن» معجزه اقتصادی ژاپن را ناشی از ۱۰ عامل می‌داند. در بین این عوامل، فرهنگ جایگاه ممتازی دارد. از بین عوامل فرهنگی رسمی، می‌توان به نظام آموزش و پرورش کارا اشاره کرد. همچنین از ویژگی‌های فرهنگی موثر بر رشد و شکوفایی اقتصادی ژاپن، می‌توان به «احساس تعهد، سختکوشی و وفاداری در واحدهای کار، فداکاری و آمادگش بر اصلاح نارساییها و اشتباهات خود» اشاره کرد.

به نظر برخی از نویسندگان، توانایی ژاپنی‌ها برای کار گروهی کلید موفقیت آنهاست. (ازراف، ووگل، ۱۹۷۹، مقدمه) مطالعه هرمن‌کان را می‌باید یکی از عوامل اصلی طرح مجدد فرهنگ در فرایند توسعه کشورها پنداشت. گرایش دوباره به مسائل فرهنگی در حوزه‌های مختلف، بالاخص پس از جنگ سرد حاکی از بازیابی اهمیت متغیرهای فرهنگی است. بررسی‌های خیره‌کننده رابرت پوتنام در کتاب خود با عنوان «دمکراسی و فرهنگ سیاسی ایتالیا» نشانه آشکار از تجدید گرایش و پذیرش

فرهنگ در میان دانشمندان علوم اجتماعی به شمار می‌رود. مشروعیت یافتن دوباره متغیرهای فرهنگی، در عین حال با روی آوردن دوباره صاحب‌نظران به اندیشه‌ها و سیاست‌های داخلی، و ابراز تردید مجدد نسبت به نظریه‌های کلی همراه است. (مایکل سی. دش، ۱۹۹۸، به نقل از فصلنامه مطالعات راهبردی، ص ۱۶۹)

### دیدگاه‌های نظری مربوط به مناسبات فرهنگی تمدن‌ها:

مناسبات فرهنگی تمدن‌ها از دیدگاه‌های مختلف مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است. برخی از اندیشمندان با نگاه سلبی و برخی دیگر با نگاه ایجابی به این موضوع نگریسته‌اند. در طبقه‌بندی کلی می‌توان دیدگاه‌ها را در دو دسته «دیدگاه‌های ارتباطی» و «دیدگاه‌های غیرارتباطی» متمایز ساخت.

#### ۱- دیدگاه‌های غیر ارتباطی:

این دیدگاه‌ها به عدم ارتباط تمدن‌ها قایل هستند. از جمله دیدگاه‌های قابل طرح در این حوزه دیدگاه «انزواگرایی سنتی» است. دیدگاه مذکور جهان نوین و الزامات آن را مردود شمرده و ارتباط با جهان مدرن را نمی‌پذیرد. دیدگاه دیگر در این حوزه متعلق به تمدن مبتنی بر علم با نگره‌های پوزیتیویستی است. اندیشمندان متعلق به این دیدگاه با نگاه تکامل‌گرایانه سرانجام همه تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را مستحیل شدن در تمدن عقلی - علمی غرب می‌دانند. از جمله متفکران که قایل به این رای هستند می‌توان به ولتر، کانت، هگل، کنت، اسپنسر، دورکیم، مارکس و تونیس، وبر، توین بی، پارسنز و فوکویاما اشاره کرد دیدگاه دیگر این حوزه متعلق به پست مدرنیست‌ها می‌باشد. این گروه از اندیشمندان از جمله کوهن، دریدا و فوکو براین اعتقادند که فرهنگ و تمدن‌های مختلف محصول شناخت‌های متفاوت بوده و مستقل از یکدیگرند و در نتیجه ارتباط معنایی فرهنگ‌ها عملاً ناممکن است.

#### ۲- دیدگاه‌های ارتباطی:

دیدگاه‌های ارتباطی که به رابطه بین تمدن‌ها معتقدند خود به سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند. اندیشمندان چون هانتیگتون، مگ اینتایر و مزروعی از مدافعان دیدگاه برخورد و تقابل تمدن‌ها هستند. مزروعی ۱۹۹۰ معتقد است که تقسیم جهان به شرق و غرب در دوران پس از جنگ جهانی دوم یک



تقسیم‌بندی ایدئولوژیک و تقسیم‌بندی جهان، به شمال و جنوب و غرب در دوران پس از جنگ جهانی دوم یک تقسیم‌بندی تکنولوژیک است. به نظر او هر دو مقوله (ایدئولوژی و تکنولوژی) ریشه در فرهنگ دارند. رغم وی برخورد ما و دیگران جنبه فرهنگی داشته و این دو جهان (توسعه یافته و توسعه نیافته) را به یکدیگر راهی نیست. (محمدی اصل ۱۳۷۹) اندیشمند برجسته دیگر این حوزه ساموئل هانتینگتون است.

دیدگاه ایجابی گفتگو با فرض تکثر تمدنی معتقد به تجارب فرهنگی متفاوت در کالبد‌های عمدتاً متکثر و پراکنده‌ای تداوم می‌یابند که می‌توان اتصال مناسب بین آنها برقرار کرد. برجسته‌ترین نظریه پرداز این حوزه سید محمد خاتمی است که نظریه گفتگوی تمدن‌ها را مطرح نموده است. گرچه بایستی اذعان داشت طرح اولیه اندیشه مذکور به عنوان نیاز حیاتی اجتماع معاصر توسط یونسکو در ۱۹۷۹ مطرح شده بود (یونسکو، ۱۹۷۹، ص ۵). با وجود پیشینه مطرح شده، در این بین باید خاتمی را به عنوان احیاگر، منادی بخش و اشاعه دهنده نظریه مذکور دانست.

در ذیل به دلیل اهمیت آراء و افکار برجستگان هر یک از حوزه‌ها، نخست اندیشه‌های هانتینگتون به عنوان نظریه پرداز برجسته حوزه مقابل تمدنی مطرح شده و سپس اندیشه خاتمی به عنوان نظریه پرداز برجسته گفتگوی فرهنگ‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد.

### فرهنگ و نبرد تمدنی از نظر هانتینگتون

هانتینگتون پایان جنگ سرد را ختم مناقشات ایدئولوژیک تلقی نمی‌کند و آن را سرآغاز دوران جدید برخورد تمدن‌ها می‌انگارد. وی تمدن‌های زنده جهان را به هفت یا هشت تمدن بزرگ تقسیم می‌کند: تمدن‌های غربی، کنفوسیوسی، ژاپنی، اسلامی، هندو، اسلاو، ارتدوکس، آمریکای لاتین و حاشیه نیز تمدن آفریقایی. او خطوط گسل میان تمدن‌های مزبور را منشأ درگیری‌های آتی و جایگزین واحد کهن دولت - ملت می‌بیند. هانتینگتون تمدن را بالاترین گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی می‌داند که انسان از آن برخوردار است. تمدن، هم با توجه به عناصر عینی مشترک (همچون زبان، تاریخ، مذهب، سنتها و نهادها) و هم با توجه به وابستگی‌ها و قرابتهای ذهنی و درونی انسانها تعریف می‌شود.

تقابل تمدن‌ها، سیاست غالب جهانی و آخرین مرحله تکامل درگیری‌های عصر نو را شکل می‌دهد.

دهد، چراکه:

- اختلاف تمدنها اساسی است .
- خودآگاهی تمدنی در حال افزایش است.
- تجدید حیات مذهبی، وسیله‌ای برای پر کردن خلا هویت ، در حال رشد است.
- رفتار غرب موجب رشد خودآگاهی تمدنی شده است .
- ویژگیها و اختلافات فرهنگی تغییر ناپذیرند .
- منطقه‌گرایی اقتصادی و نقش مشترکات فرهنگی در حال رشد است .
- خطوط گسل بین تمدنها، امروز جایگزین مرزهای سیاسی شده و جرقه‌های ایجاد بحران و خونریزی به حساب می‌آیند. استعمار اروپایی خاتمه یافته و سلطه آمریکایی نیز در حال افول است.
- در حالی که آداب و رسوم کهن، زبانها، اعتقادات و نهادهای بومی، دگرباره خود را مطرح می‌سازند.
- فرهنگ غربی نیز رو به فرسایش است. بدین ترتیب، براساس نگاره (پارادایم) برخورد تمدنی، صف‌آرایی‌های تازه‌ای بر محور تمدنها شکل گرفته است. در آینده کانون اصلی درگیری‌ها بین تمدن غرب و اتحاد جوامع کنفوسیوسی شرق آسیا و جهان اسلام خواهد بود. از نظر هانتینگتون، تنش‌ها و منازعات جدی در سطح بین‌المللی، برخلاف گذشته، از بحران هویت ملت‌هایی نشات گرفته که برای حفظ موجودیت خود به دنبال یافتن شاخصهای جدیدی در مقوله فرهنگ هستند. سیاست داخلی، سیاست قومی و سیاست جهانی وجود خواهند داشت. اما همگی تابعی از سیاست تمدنی خواهند بود. (امیری، ۷۴، صص ۴۹ - ۶۲)

به طور خلاصه درخصوص نظریه برخورد تمدنها، سه دیدگاه عمده وجود دارد:

- ۱ - این نظریه، دیدگاه جدیدی است که در تحلیل مسائل جهانی، حایز اهمیت بسیار است و تامل و تعمق در ابعاد نظری و فرهنگی آن ضروری است .
- ۲ - برخورد تمدنها یک نظریه استراتژیک است و باید در سطح سیاسی (اجرایی) مورد توجه قرار گیرد.
- ۳ - این نظریه در عین اینکه واجد برخی نکات مهم و ارزنده است، زیر ساخت و پایه علمی و نظر مستحکمی ندارد.

### نظریه گفتگوی تمدنها و فرهنگ‌ها:

خاتمی در توصیف تمدن و تفکیک آن از مقوله‌ی فرهنگ، برخلاف هانتیگتون که این دو را یکی می‌داند، می‌گوید: «منظور من از تمدن همان آثار مادی زندگی جمعی و همه‌ی نهادها و موسساتی است که در چارچوب آنها زندگی جاری است. موسسه‌های اقتصادی و نهادهای سیاسی و غیر آنها که عینیت زندگی در آنها جاری است. و اما مراد من از فرهنگ عبارتست از: باورها و سنت‌های فکری و عاطفی که در جامعه وجود دارد.» (خاتمی ۱۳۷۳، ص ۶)

وی بر پایه‌ی این تعریف از تمدن و فرهنگ به تاثیر و تاثر فرهنگ‌ها در یکدیگر می‌رسد و تولد تمدنی را نشأت گرفته از تمدن پیشین و اندیشه‌ی تازه می‌داند؛ خاتمی به درستی در پیدایش و اعتلا و انحطاط تمدنها، دو عامل اساسی و مهم را دخیل می‌داند. «در پیدایش تمدن‌ها و نیز اعتلا و انحطاط آنها، علل و عوامل فراوانی تاثیر دارند، ولی به نظر می‌رسد که دو عامل از همه مهم‌تر و اساسی‌تر است: یکی پویایی ذهن آدمی و دیگری پیدایش نیازهای جدید در زندگی او» (خاتمی ۱۳۷۷، ص ۱۷۳)

خاتمی پدیده‌ی گفت و گو میان فرهنگ‌ها را بر پایه‌ی قرائت خاصی از انسان قرار می‌دهد که در آن آدمی موجود اجتماعی و در متن جامعه و همراه با دیگر انسان‌ها معنا پیدا می‌کند؛ انسان شناختی خاتمی بر جنبه‌ی جمعی وجود انسان پی‌ریزی شده و در واقع دریافتی انسان گرا از آن را در خود جای داده است؛ بنابراین تلقی انسان شناختی، خاتمی معتقد است: «فقط آن بخش از فرهنگ‌ها و تمدنها توانسته‌اند به حیات خود ادامه دهند که دارای «قدرت مبادله» و «گفتن» و «شنیدن» بوده‌اند» (خاتمی ۱۳۷۸، ص ۸) گشتی در سرگذشت تمدن‌های بشری نشان می‌دهد که خاتمی در باور خود برگشوده بودن فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بر حق است، سرنوشتی که فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی در دو قرن عصر زرین خود در سده‌های سوم و چهارم داشت و با مبادله و تفاهم با دیگر تمدن‌ها به سر می‌برد و همچنین دوران رنسانس که با جذب و ایجاد گفت و گو با فرهنگ‌ها، ابرتمدن مدرن را به وجود آورد، نمونه‌هایی ایده‌ال از پارادیم انسان شناسی و گفتمان فرهنگی خاتمی مبتنی بر آن را به ثبوت می‌رساند.

خاتمی با نگاهی به گذشته‌ی غم‌بار و مأیوس‌کننده‌ی وضعیت جهان در قرن بیستم، مقوله‌ی گفت و گو را به عنوان بدیلی برای خشونت و نابرابری در جهان مطرح می‌کند. وی معتقد است: «جهان ما در آستانه‌ی قرن‌نو، بیش از همیشه به صلح پایدار و همزیستی استوار نیاز دارد. از این رو باید با نگاهی انتقادی به گذشته و حال جهان و موانع فهم حقیقت و امکان تحقق صلح نگرست تا امکان غلبه بر دشواریها و موانع دیرینی را که در برابر همه‌ی ملتها قرار داشته است، فراهم کرد. قرن‌ی را که پشت سر نهاده‌ایم متأسفانه سرشار از تنش، خشونت، جنگ، نابرابری، پایمال شدن کرامت انسانی و تجاوز به حقوق ملت‌های ستمدیده و دوگانگی در رفتارهای سیاسی و حقوقی بوده است. ریشه‌ی این نابسامانی‌ها را می‌توان در مبانی و باورها و رویه‌هایی دانست که خود محورانه و قوم‌مدارانه به جهان و جامعه‌ی انسانی می‌نگریستند و عدالت، آزادی، استقلال و همه‌ی حقوق اساسی دیگران را فدای فزون طلبی‌ها و تقدیس قدرت خویش می‌کردند» (خاتمی ۱۳۷۸، ص ۶۶)

در این آموزه، خاتمی معتقد است: «سرنوشت جهان ما، در آغاز هزاره‌ی سوم در طول سال‌های آتی، سرنوشتی واحد خواهد بود، برای این که این سرنوشت، سرنوشتی عادلانه و سعادت‌مندانه باشد، چاره‌ای جز گفت و گو میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون وجود ندارد» (خاتمی ۱۳۷۸، ص ۸) بر پایه این آموزه خاتمی معترف است: «گفت و گو، مشارکت و پیوند متقابل بین المللی، از اجزای ضروری حل مسایل است که به صلح پایدار و ترسیم آینده‌ای روشن منتهی می‌شود.» (خاتمی ۱۳۷۸، ص ۶۹) خاتمی در رابطه با سیاست جهانی با تأکید بر سه اصل: «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» در چارچوب تشنج زدایی و پافشاری برگفت و گو برای رسیدن به توافقات بین‌المللی، در زمان اعلان برنامه‌های انتخاباتی خود می‌گوید: «به اعتقاد من ما نباید به تشنجات بین‌المللی دامن بزنیم و رفتاری هم نداشته باشیم که در این مورد ایجاد شبهه کند. ما می‌خواهیم که در جامعه‌ی بین‌المللی تشنج نباشد، یا لااقل به کمترین حد ممکن برسد. از سوی دیگر ما همواره آماده‌ی تشنج زدایی در همه‌ی مجامع بین‌المللی هستیم.» (خاتمی ۱۳۷۶، ص ۲۴)

خاتمی در اعلام ارلیه‌ی نظریه گفت و گوی تمدنها «با جابجایی این مقوله از عرصه‌ی سیاسی به زمینه‌های فرهنگی و فکری می‌گوید: «اعتقاد من این است که ما باید در میان فرهنگها، باب گفت و گوی انتقادی را بگشاییم (برخلاف نظر هانتینگتون در نظریه‌ی رویارویی تمدنها). در این گفت و گوها

نظریه پردازان باید افراد صاحب نظر در عرصه‌ی فرهنگ باشند. زیرا عالمان فرهنگی، مصالح جامعه‌ی بشری را در نظر می‌گیرند و این نقطه‌ی مقابل عملکرد سیاستمداران است. در این حالت عالمان دو طرف علاوه بر گفت و گو بر دانش خود و طرف مقابل هم خواهند افزود.» (خاتمی ۱۳۷۶، ص ۲۴) خاتمی شرط تحقق گفت و گوی فرهنگ‌ها و تمدنها را نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری در همه‌ی اشکال آن می‌داند و معتقد است: «زندگی مطلوب، زندگی خالی از زور، تزویر، تبعیض، دورویی و دروغ است و از آن جایی که انسان فطرتاً خواستار همه‌ی خوبیهاست، گفت و گوی تمدنها آغاز راه شکوفایی فطرت انسانی است.» (خاتمی ۱۳۷۸)

خاتمی به عنوان بدیل نظریه‌ی برخورد تمدنها و با عنایت به نتایج زندگی در جهان امروز و آگاهی و التزام به لوازم عصر مدرنیته و دوران رسانه‌ها می‌گوید: «از والاترین دستاوردهای این قرن پذیرش ضرورت و اهمیت گفت و گو و جلوگیری از کاربرد زور، توسعه‌ی تعامل و تفاهم در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و تقویت مبانی آزادی و عدالت و حقوق انسانی است. استقرار و توسعه‌ی مدنیت، چه در صحنه‌ی کشورها و چه در پهنه‌ی جهانی، گفت و گو میان جوامع و تمدنها با سلیق، آراء و نظرات متفاوت است. اگر بشریت در آستانه‌ی هزاره و قرن آتی تلاش و همت خود را بر نهادینه کردن گفت و گو و جایگزینی خصومت و ستیزه‌جویی با تفاهم و گفت و گو استوار سازد، دستاورد ارزشمندی برای نسل آتی به ارمغان آورده است.» (خاتمی ۱۳۷۸، ص ۵۴)

خاتمی به خوبی آگاه است آن دوران خوشبینانه‌ای که عصر روشنگری نوید می‌داد، در زیر خشونت و کشتارهای جمعی در قرن حاضر که در صحنه‌های ویتنام - مجمع الجزایر گولاک و کوره‌های آدم سوزی آشویتس، متجلی و ثبت شده است، بیشتر به رویا شبیه است تا واقعیت و برای کاستن از زشتی خشنونت جهانی، و همسویا تحولات فرهنگی - اجتماعی که در جهان غرب رخ داده و از آن به دوران پست مدرنیته نام می‌برند، در مقابل تئوری رویارویی تمدنها، نظریه‌ی گفت و گو تمدنها و فرهنگها را مطرح می‌کند؛ (حقدار، ۷۸، ص ۱۱۶) به سخن خاتمی «نظریه‌ی گفت و گوی تمدنها بدون بررسی زمینه‌های جنگ و نزاع و بدون یک مطالعه‌ی وسیع در موضوع «جدال شناسی» طرحی ناقص خواهد بود. طبعاً این «جدال شناسی» نمی‌تواند جدای از اوضاع کنونی جهان انجام شود.» (خاتمی ۱۳۷۸، ص ۸)

در توضیح و تأکید بر سخن خاتمی مبنی بر خشونت قرن حاضر بایستی گفت؛ دوران تاریخی که در قالب ساختارهای اجتماعی - فرهنگی و با رویکردی فلسفی، عصر جدید و نظام دانایی مدرنیته را تشکیل می‌داد، در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی قرن حاضر با چالش‌های جدی مواجه گردید. این برخوردها با بنیان‌های فکری و اجتماعی مدرنیته‌ی اول، حاکی از رسوخ عمیق معرفتی - اجتماعی در طرح‌های خوش بینانه‌ی قرن هجدهم بود؛ بنیادی‌ترین مقوله‌های این جنبش‌ها که به دنبال «جنبش دانشجویی ۱۹۶۸ فرانسه» پدید آمدند، طرح «غیریت» و شکست اتوریته‌ی انحصاری «خرد»، «مزد»، «سفید» و «غرب» بود. سخن از درجه‌ی صفر فرهنگ، تجزیه و از هم پاشیدگی غافل اجتماعی که در واقع درجه‌ی صفر سیاست تک‌آوایی غربیان را متجلی می‌کرد، فرهنگ‌های به حاشیه رانده شده‌ی اقلیت‌های قومی، جنسی، دینی را به صحنه کشاند؛ ظهور جنبش‌های صلح طلبانه، جنبش اجتماعی زنان (Feminism)، اکولوژی (ecology) و آزادیخواهانه در واقع سیاست مدرن را در قالب معمای فرهنگ غربی مطرح کردند. به دنبال این تحولات، فرهنگ‌ها و تمدن‌های بومی نیز فرصت ابزار وجود یافته و با تامل در میراث فرهنگی خود، سیاست اروپا محور غربی را به چالش گرفتند. با وقوع جنبش‌های جدید اجتماعی - فرهنگی، مدرنیته در ذات خود معما آمیز از کار درآمده است و به نظر می‌رسد که هیچ راهی برای «غلبه» بر معمای آن وجود ندارد. پرسشهایی روی دست ما مانده‌اند که زمانی پاسخ به نظر می‌آمدند... آگاهی عمومی به این پدیده‌ها، اضطرابهایی را که بر همگان فشار وارد می‌کنند، به بار می‌آورد» (گیدنز ۱۳۷۷، ص ۶۰)

در واقع جهان با ورود به عصر رسانه‌ها و شکل‌گیری جامعه‌ی اطلاعاتی (Information Society)، دوران جدید را آغاز کرده و با طرح پروژه‌های ناتمام مدرنیته، بر غنای آن افزوده و «نظام نوین جهانی» را، که در آن کنار سخن غرب و مدرن، صدای دیگر فرهنگ‌ها و غیر غربیان نیز به گوش می‌رسد، به جد گرفته شده است. احتمالاً رساترین واژه‌ای که می‌تواند موقعیت جدید جهان را با ظهور اصلی‌ترین دستاورد انقلاب انفورماتیک یعنی ابرشاهراه اطلاعاتی (Internet) تبیین کند، مرکز زدایی است. خاتمی با آگاهی از شرایط جهان در دهه‌ی پایانی قرن بیستم و تحولی که به دنبال موج انقلاب رسانه‌ای با گسترش کامپیوترهای شخصی و پخش سریع اندیشه‌ها و کالاهای صنعتی و فرهنگی از طریق شبکه‌ی جهان‌گستر و مودم، به وقوع پیوسته است،

می‌گوید: جهانی سازی اقتصاد، فرهنگ و ارتباطات از سویی و بروز خطر یکسان سازی فرهنگی و زوال پذیری فرهنگ‌های بومی از سوی دیگر، تحقق جریان آزاد اطلاعات در جهان را با مشکل روبرو ساخته است.» (خاتمی ۱۳۷۸، ص ۱)

این معضلی است که از چشم تیزبین روشنفکران غربی نیز پنهان نمانده و عده‌ای از اندیشمندان معاصر جهان در اشاره به چالش‌های معرفتی و اجتماعی که دامنگیر طرح‌های اولیه‌ی مدرنیته گردیده، به روایت نوینی از مدرنیته که عاری از تک‌آوایی و اروپا محوری است، روی آورده‌اند. آلن تورن با توجه به برهم خوردن موازنه‌ی پیشین در شرایط فرهنگی - سیاسی و اقتصادی جهان که با رخ‌نمایی فرهنگ‌های بومی و اقلیت‌های مذهبی، جنسی و صنفی در دهه‌های آخر قرن<sup>۴</sup> حاضر پدید آمده‌اند، با اشاره به قرائت جیانی و تیمو از عصر پست مدرن، که آن را با دو تغییر پایان تسلط اروپایی بر تمامی عالم و توسعه‌ی رسانه‌هایی که امکان بروز فرهنگ‌های محلی و اقلیت‌ها را فراهم کرده است، دوران حاضر را از دوران مدرنیته‌ی پیشین متمایز کرده، می‌نویسد: «به این سان جهان‌گرایی که اهمیت محوری برای آن دسته از جنبش‌های اجتماعی قائل بود که در اروپای قرن هیجده و نوزده پنداشته می‌شد برای همراهی یاضدیت با عقل و ترقی برپا شده‌اند، ناپدید می‌شود. براین اساس، جامعه دیگر وحدت و بنابراین هیچ‌گونه شخصیتی ندارد؛ دیگر هیچ مقوله‌ی اجتماعی و هیچ‌گفتمانی انحصار معنا را در اختیار ندارد. این به نوعی چند فرهنگ‌گرایی راه می‌برد که در آثار پست مدرن به خوبی از آن دفاع شده است.» (تورن ۱۳۷۸، ص ۱۶۶)

خاتمی با عنایت به چند آوایی بودن جهان در عصر رسانه‌ها و شکل‌گیری جامعه‌ی اطلاعاتی، در تبیین تئوری گفت و گوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، به دورن مایه‌ی مقوله‌ی گفت و گو اشاره می‌کند و با تعبیری هرمنوتیکی از آن که در برگیرنده‌ی دو طرف مکالمه یعنی گوینده و شنونده است و با تثبیت و اجرای آن به شکل مفاهمه (فهم‌پذیری سخنان دو طرف نسبت به هم)، می‌گوید: «گفت و گوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها علاوه بر «گفتن» مستلزم «شنیدن» نیز هست. شنیدن فضیلتی است که باید آن را کسب کرد. این فضیلت آسان به دست نمی‌آید، چون آن، انسان باید به نوعی تربیت اخلاقی، تهذیب نفسانی و پرورش عقلی اقدام کند. شنیدن با سکوت کردن فرق می‌کند، شنیدن صرفاً یک عمل انفعالی نیست، بلکه یک فعالیت است. آن هم فعالیتی که موجب می‌شود شخص شنونده وجود خود را بر

جهانی که گوینده آن را خلق یا کشف می کند بگشاید. بدون شنیدن حقیقی هر گفت و گویی محکوم به شکست است» (خاتمی ۱۳۷۸، ص ۸)

خاتمی به درستی آگاه است که: «فهمیدن نتیجه‌ی گفتن و شنیدن است و این دو (گفتن و شنیدن) به اضافه‌ی دیدن مهمترین فعالیت‌های جسمانی، روانی و روحی انسان را تشکیل می دهد. آن چه از دیدن حاصل می شود موجب گسترش دامنه‌ی دانایی و همچنین قوام و استواری «من» می شود. در حالی که ما با «دیگران» سخن می گوئیم و از دیگران سخن می شنویم، دیدن از پایگاه من محقق می شود و جهان و انسان متعلق به بینایی و موضوع بینش من هستند. اما گفتن و شنیدن کوششی دو جانبه و یا چند جانبه است برای نزدیکتر شدن به حقیقت و دست یافتن به تفاهم. به این دلیل است که دیالوگ نه نسبتی با شکاکان دارد و نه از آن کسانی است که حقیقت را در چنگ و تصرف خویش می پندارند. بلکه او چهره‌ی زیبا ولی پوشیده‌ی خود را به روندگان طریقتی می نماید که سالکان آن، دست در دست سایر انسانها و هم گام و هم راه دیگر آدمیان این راه را می پیمایند. عبارت گفت و گوی تمدنها و فرهنگها که در واقع باید از آن به گفت و شنود تمدنها و فرهنگها تعبیر کرد، مبتنی بر چنین تعریفی از حقیقت است و این تعریف الزاماً با تعاریف معروف حقیقت که در متون فلسفی از آنها بحث کرده‌اند تغایر ندارند. گفت و گوی تمدنها مستلزم شنیدن از سایر فرهنگها و تمدنها است و اهمیت شنیدن از سایرین اگر بیشتر از گفتن نباشد، قطعاً کمتر نیست.» (خاتمی ۱۳۷۸، ص ۷۸)

خاتمی بر پایه‌ی این نگره، غرب را به خضوع و خشوع در برابر فرهنگهای دیگر دعوت می کند و آنها را برای شنیدن صدای اقلیتهایی که تاکنون مظاهر امپریالیستی دنیای مدرن آنها به عقب رانده است، آماده می کند؛ در واقع خاتمی به نحو احسن و دقیق از فرصت به وجود آمده در میان غریبان استفاده می کند و با تکیه بر ابزارهای اطلاع رسانی و بهره‌گیری از فضای همگانی که رسانه‌های جمعی پدید آورده به بازگویی سخن ایرانی که یکی از صداهای اقلیت در جهان مدرن به شمار می رود، می پردازد.

خاتمی پروژه‌ی گفت و گوی فرهنگها و تمدنها را تا جایی گسترش می دهد که مهمترین معضلات جامعه‌ی بشری و اصلی‌ترین دغدغه‌های انسانی را در آستانه‌ی قرن آتی و هزاره‌ی سوم در



بر می‌گیرد؛ کاوش از تحول در رابطه‌ی انسان و طبیعت، دگردیسی در خصوص انسانی و تنظیم حقوق مساوی برای زنان و مردان، مشکل فقر سیاره‌ای، پرسش از جایگاه اخلاق در سیاست جهانی، نقشی که هنرمندان در آرایش بهینه‌ی چهره‌ی جهانی بر عهده دارند، و بالاخره ایمان دینی و نقشی که در متوازن کردن برخوردهای اخلاقی و اجتماعی میان انسانها برپایه‌ی رواداری از آن نشأت می‌گیرد، از توابع شکل‌گیری این پدیده‌ی جهانی در آموزه‌ی خاتمی به شمار می‌روند. براین اساس خاتمی تأکید دارد فهم تجویزی و دستوری «گفت و گوی فرهنگها و تمدنها» موجب ورود به مباحث زنده و مسائل کنونی جهان است.

جدیدترین مشکلات جوامع بشری، قدیمی‌ترین دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های او نیز هست. بشر امروز همچون دیروز و پریروز، تشنه، محتاج و مشتاق عدالت، صلح، آزادی و امنیت است. «گفت و گوی تمدنها» برای تحقق، نیازمند صلح است و پس از تحقق گفت و گو موجب استمرار آن می‌شود. این که می‌گوییم برای تحقق گفت و گو نیازمند صلح هستیم، طبعاً معنایی از گفت و گو را مراد می‌کنیم که با مذاکرات سیاسی تفاوت دارد و گرنه همه می‌دانیم که چه بسا در طول تاریخ جنگ و مذاکره هم عنان و هم زمان با یکدیگر وجود داشته‌اند. گفت و گو در این جا به معنی استخدام زبان دیپلماتیک برای جلب منافع سیاسی و اقتصادی و غلبه بر دشمن و خلاصه ادامه جنگ، منتها با زبان دیگر نیست. «گفت و گو فرهنگها و تمدنها» جز باهم‌دلی، محبت و کوشش صادقانه برای فهم دیگران و نه غلبه بر آنها ممکن نیست». (خاتمی ۱۳۷۸، ص ۸)

### اصول و مبانی گفتگوی بین تمدنها<sup>(۱)</sup>

- ۱ - توجه به شان و تساوی تمام انسانها بدون ملاحظه نوع و نژاد ملتهای بزرگ و کوچک .
- ۲ - پذیرش واقعی گوناگونی فرهنگی بعنوان عنصر همیشگی جامعه انسانی .
- ۳ - توجه متقابل و شکیبایی برای قصدها و ارزشهای فرهنگها و تمدنهای متفاوت بعلاوه حقوق اعضای تمام تمدنها برای محافظت از میراث و ارزشهای فرهنگی .

<sup>۱</sup> - این قسمت از نوشتار با استفاده از سایت [WWW.un.int/iran/dialog02.html](http://WWW.un.int/iran/dialog02.html) تنظیم شده است موارد مطرح شده با حضور نمایندگان کشورهای عضو کنفرانس اسلامی در سوم الی پنجم ماه مه ۱۹۹۹ جمع‌بندی و تنظیم شده است .

- ۴ - شناسایی منابع متنوع دانش در سراسر جهان و در زمانهای مختلف و طراحی لازم الاجرا روی مناطق با ظرفیت‌های هر تمدن خاص .
- ۵ - رد تلاش‌های سلطه جویانه و سوء استفاده فرهنگی با هدف ترویج درگیری و مشاجره بین تمدنها.
- ۶ - جستجوی زمینه‌های مشترک بین و داخل تمدنها با هدف رویارویی با گسست و ستیز تمدنها.
- ۷ - پذیرش مشارکت و جستجوی تفاهم بعنوان مکانیزم متناسب برای ترویج ارزشهای جهانی متداول بعنوان تهدیدها جهانی .
- ۸ - تعهد برای مشارکت تمام مردم و ملت‌ها بدون هیچ تمایزی در تصمیم‌گیری جهانی و فرایندهای توزیع ارزشها.
- ۹ - موافقت با اصول درستی ، تساوی ، صلح و همبستگی .
- ۱۰ - پاسخگویی به آرزوهای انسان در دین و اخلاق، تقویت تفاهم متقابل و دانش در مورد تمدنهای مختلف .
- ۱۱ - مشارکت و غنای دو جانبه در زمینه‌های مختلف کوشش و دستاورد انسان زمینه‌های علمی، تکنولوژی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، ترویج فرهنگ شکیبایی و توجه به گوناگونی و تنوع .
- ۱۲ - مشارکت در تهدیدات چشمگیر برای صلح و امنیت جهانی فساد محیطی، درگیریها، سلاحها، داروها، تروریسم.
- ۱۳ - ترویج حمایت از حقوق و مسئولیتهای انسان، از جمله حقوق اقلیتها و مهاجران در حفظ هویت فرهنگی ایشان و مشاهده ارزشها و سنن آنها .
- ۱۴ - ترویج و حمایت از حقوق و منزلت زنان، حفاظت از بنیاد خانواده و حمایت از اقشار ارزشمند گروههای اجتماعی نظیر، بچه‌ها، جوانان و سالمندان .

### مشارکین آموزه گفتگوی تمدنها

- ۱ - نمایندگان تمدنهای معاصر باید قادر به شرکت در فرایند مذاکره، تفاهم متقابل و غنای متقابل باشند.

- ۲ - دانشجویان، متفکران، روشنفکران، دانشمندان، اقتصاد دانان و مردم هنرمند و فرهنگی موتورهای اصلی برای بکارگیری و پیگیری مذاکرات تمدنی به شمار می روند.
  - ۳ - دولت‌ها و نمایندگان آنها باید مذاکره میان تمدن‌ها را تسهیل و ترغیب کنند.
  - ۴ - نمایندگان جامعه غیر نظامی نقش موثر در ترویج فرهنگ مذاکره در داخل جوامع مختلف دارند و باید در چنین مذاکراتی شرکت کنند.
  - ۵ - سازمان‌های بین المللی، مخصوصاً سازمان ملل متحد چهارچوب‌های مناسبی برای ترویج، بکارگیری و پیگیری مذاکره فراهم می کنند.
  - ۶ - سازمان کنفرانس اسلامی باید نقش پیشروی در ترویج فرهنگ مذاکره داخل دنیای اسلامی و در سطح جهانی از طریق سازگاری با ابتکارات نو آورانه در این زمینه بازی کند.
- شیوه‌های ترویج فرهنگ مذاکره میان تمدن‌ها بر اساس نظر کنفرانس اسلامی**
- ۱ - تعهد دولت‌ها و جوامع غیر نظامی اعضای ایالت‌ها، سازمان‌های غیر دولتی و داخل و خارج از دنیای اسلامی، گروه‌های فرهنگی و تحصیل کرده همینطور دبیرخانه کنفرانس اسلامی و گروه‌های فرعی و وابسته آن برای ترویج مذاکره و مدارا.
  - ۲ - اجرا و حمایت از کنفرانسها و همایشهای طراحی شده برای ترغیب مذاکره و ترویج متقابل و مدارا میان تمدن‌های معاصر.
  - ۳ - تولید انفرادی یا مشترک محصولات مختلف فرهنگی، از جمله کتابها، مقالات، فیلم‌های مستند و محصولات صوتی - بصری، معرفی دستورات صحیح اسلام و تصویر کردن از طریق نمونه‌های تاریخی متعدد ارتباط سودمند بین تمدن‌های اسلامی و تمدن‌های دیگر.
  - ۴ - تشویق جامعه غیر نظامی و سازمان‌های غیر دولتی به توسعه برنامه‌های آموزشی و فرهنگی مورد هدف در رواج تفاهم میان تمدن‌ها.
  - ۵ - گنجاندن برنامه‌های طراحی شده در افزایش تفاهم و مدارای فرهنگها و تمدن‌های مختلف در برنامه‌های آموزشی از جمله تدریس زبانها.
  - ۶ - افزایش مطالعات داخل فرهنگی و مبادلات میان سازمان‌های آموزش عالی
  - ۷ - استفاده از انقلاب تکنولوژی از طریق صوتی، ویدئو، رسانه‌های چاپی و تکنولوژی چند

رسانه‌ای برای انتشار پیغام مذاکره و تفاهم در سراسر جهان.

۸ - استفاده از جهانگردی‌های فرهنگی و تاریخی بعنوان وسیله‌ای برای مذاکره و تفاهم میان تمدن‌ها.

۹ - راهنمایی مطالعات از راهها و وسائل افزایش مبادله، ارتباط و تفاهم میان فرهنگ‌های

مختلف کاربرد مذاکره میان تمدن‌ها در مناطق مهم روابط بین‌المللی.

۱۰ - فراهم ساختن زمینه‌های مختلف در صحنه بین‌المللی برای اجرای دستورات جهانی

وابسته به مذاکرات، تفاهم متقابل و احترام بجای تعالیم منسوخ محرومیت، رقابت، تدابیر قدرتی و

تعقیب خود خواهانه منافع محدود.

۱۱ - پایبندی به تعهد جهانی در انتقال آرامش از منازعه مطابق با اصول صداقت و قانون بین‌المللی.

۱۲ - ضرورت توجه به صداقت و قانون در روابط بین‌المللی و در تدابیر انتخاب و استاندارد دویل.

۱۳ - شناسایی حق مردم تحت تسلط بیگانه یا سکونت خارجی برای استقلال فردی

۱۴ - عقب نشینی سریع اسرائیل مطابق با تصمیمات مجمع عمومی سازمان ملل و

قطعنامه‌های شورای امنیت.

۱۵ - از بین بردن خطرات جهانی تمام اشکال و نشانه‌های تروریسم سازماندهی شده و

قاچاق مواد مخدر از طریق مشارکت جهانی.

۱۶ - کاربرد اصول تساوی، شفافیت و بازنمایی دموکراتیک در سازمان‌های مختلف جهانی

همکاری اعضای کنفرانس اسلامی در برنامه‌ریزیهای سال مذاکره میان تمدن‌ها.

۱۷ - کنفرانس اسلامی باید در پیوند تمدن‌های معاصر دیگر بهم ابتکار بخرج داده و قواعد و

نظام ارزشهای اخلاقی در شرایط جدید جهانی مربوط به مذاکره، مضمول و غنای متقابل را ارائه نماید.

۱۸ - روش شناسی، مکانیزمها، ساختارها و امور مالی مذاکره و گفتگوی تمدنی باید با

دستورات اساسی اسلامی هدایت شود از جمله اصولی که در بالا بر شمرده شد، ترویج فرهنگ مذاکره

و بکارگیری نمایندگان تمدن‌های معاصر دیگر در گفتگوست.

### راهبردهای توسعه آموزه گفتگوی فرهنگها از نظر یونسکو

نظام نامه یونسکو صریحاً مشخص می‌کند که این سازمان مسوول ایجاد «صلح و آرامش» در

میان انسانهاست. این کار به وسیله ارتقای همکاری فرهنگی بین‌المللی با آموزش و پرورش، علم،

فرهنگ و ارتباط میسر می‌شود. همچنین چهارمین هدف دهه جهانی توسعه فرهنگی برابر آنچه یونسکو همواره انجام داده بر بهبود کنش متقابل فرهنگی بین مردم و آموزش تحمل و احترام گذاردن به یکدیگر دلالت می‌کند. تحت این عنوان، این دهه همه نهادهای سازمان ملل متحد و همه مشارکین کوچک و بزرگ توسعه، فرصت دارند تا نیروهایشان را برای رسیدن به صلح و آرامش به هم پیوند بزنند. برای تحقق این موضوع، یونسکو طرحهای متعددی را در دست اجرا دارد. از جمله می‌توان موارد زیر را برشمرد.

در سپتامبر ۱۹۹۲، طرح دریای بالتیک بیش از ۳۰۰ معلم و دانش‌آموز ۱۳ تا ۱۸ سال را گرد هم آورد تا درباره «چگونگی کمک به حفظ دریای بالتیک» تبادل نظر کنند. این جوانان از ۹ کشور حوزه بالتیک، دانمارک، استونی، فنلاند، آلمان، لیتوانی، لتونی، لهستان، روسیه و سوئد گرد هم آمدند. در این طرح ۲۰۰ واحد آموزشی در موضوعاتی چون منابع ساحلی، شیوه‌های سنتی زندگی، مواجهه با رها شدن نفت و دیگر آلوده‌کننده‌ها نتایج تحقیقات خود را در اختیار یکدیگر قرار می‌دهند. طرح «بیا کشور ما را ببین» از دیگر برنامه‌های مدارس است که در خدمت اهداف دهه جهانی توسعه فرهنگی است. چهار کشور هند، مراکش، سنگال، و سوئد در حال تهیه منابعی هستند که جوانان کشورها از طریق بیشتر دانستن درباره شیوه‌های زندگی یکدیگر، همدیگر را بهتر بفهمند. دانش‌آموزان در این طرح با استفاده از ابزارهای مختلف در می‌یابند که مردم جهان، نیازهای اساسی مشترک خود را نظیر: غذا، مسکن، بهداشت، عشق و انسجام چگونه تامین می‌کنند. دانش‌آموزان تاثیر مجموعه عوامل تاریخی، جغرافیایی، انسانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی را در تشکیل هر کشور در می‌یابند. از طریق تماس با فرهنگهای دیگر، دانش‌آموزان چیزهای بیشتری درباره شیوه زندگی خودشان می‌آموزند، دامنه تحمل کردن یکدیگر را افزایش می‌دهند و بنیانهای صلح آینده را در جهان پی‌ریزی می‌کنند. همچنین یونسکو بر تداوم و استمرار روند اصلاحات دموکراتیک، در کشورهایی که دستخوش تغییرات سیاسی و اقتصادی سریع هستند، برنامه «فرهنگ دموکراسی» را طراحی کرده است. در این برنامه مردم می‌آموزند که چگونه شهروندان مسوول باشند و در مقابل معضلات به وجود آمده در عرصه مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، رویکردی پلورالیستیک (جمع‌گرایانه) اتخاذ

نمایند. همچنین بتوانند میزان تحمل پذیری خود را افزایش دهند. (۱)

یونسکو علاوه بر موارد بالا همچنین اقدامات زیر را در مسیر توسعه گفت و گوی میان فرهنگی انجام داده و آن را از جمله عناصر سازنده فرهنگ صلح می‌داند و در این راستا برنامه‌ها و طرحهای خاصی را تدوین کرده است.

- تقویت نظام چند زبانی و ایجاد شرایط امکان ابراز موجودیت فرهنگی از سوی اقلیت‌ها در جوامع چند فرهنگی؛

- ترغیب ارزشهایی که گفت و گوی میان فرهنگی را برای تحقق صلح تثبیت می‌کند و توجه لازم به ضرورت مشارکت زنان و جوانان در این امر؛

- ترغیب جهانگردی فرهنگی به شیوه برگزاری نمایشگاه و سمینار از قبیل طرح جاده‌های ابریشم، جاده‌های صحرا، جاده‌های جلگه‌ها، مسیر دریاها، جاده عشایر، جاده بودائی‌ها با هدف گفت و گوی میان فرهنگی سرزمین‌های نپال، هندوستان، پاکستان آسیای مرکزی و چین، جاده بردگی با هدف شناخت بیشتر تاریخ به جهت برداشتن سایه‌های جهل از صلح و گفت و گوهای میان مذهبی با عنوان «مشارکت مذاهب در تحقق فرهنگ صلح» با شرکت ۵۷ اندیشمند از ارباب مذاهب جهانی در صلح با هدف بزرگداشت تنوع مذاهب، پایه‌گذاری یک نهضت جهانی با نام «تمدن عشق» با هدف بنای «تمدن خدا و بشر»، اجرای طرح جاده‌های ایمان از طریق اجرای مراسم عبادی سه مذهب بزرگ دنیا، مسیحیت، اسلام و یهودیت در شهر بیت المقدس (اورشلیم) با هدف ارتقای سطح تفاهم میان اربابان مذاهب، برگزاری کنفرانس برای گفت و گوی میان سه دین توحیدی در شهر رباط، برگزاری کنفرانس «تمدن اسلامی و اروپایی»

- ترویج اصول دگرپذیری (تسامح)؛ یونسکو با تصویب اعلامیه جهانی اصول دگرپذیری در سال ۱۹۹۵ که در بند اول آن دگرپذیری را پذیرش و درک ارزش و احترام به تنوع غنی فرهنگهای جهان، اشکال تجلی و طرق انسان بودن می‌داند و اعلام می‌دارد دگرپذیری با آگاهی، سعه صدر، ارتباطات و آزادی اندیشه، وجدان و عقیده پرورده می‌شود.

۱- یونسکو ۱۹۹۵؛ بازانندیشی توسعه، به نقل از کتاب فرهنگ و توسعه، ترجمه نعمت اله فاضلی، ص ۱۴۳ تا ۱۴۷.

بند سوم همین ماده، اذعان می‌دارد که دگرپذیری مسوولیت در مقابل چندگرایی فرهنگی است و با طرد جزم اندیشی و مطلق‌گرایی سر و کار دارد. در بند چهارم اظهار می‌دارد فرد آزاد است تا به اعتقادات خود وفادار باشد. همچنین فرد بپذیرد که دیگران نیز به عقاید خود پایبند باشند. یونسکو برای تحقق این موضوع به درج اصول دگرپذیری در مفاد درس و آموزش مدارس تاکید می‌کند.

### ترویج همکاری فرهنگی و پذیرش تأثیر متقابل فرهنگ‌ها

از نظر یونسکو هیچ فرهنگی در انزوا و مجزا از سایر دنیا نیست. هر فرهنگ تحت تأثیر سایر فرهنگ‌هاست و خود نیز بر آنها تأثیر دارد. این تأثیرات و تاثرات متقابل ممکن است با پشتوانه تبادلات و انتشارات داوطلبانه باشد یا برعکس به نحوی ستیزه‌آمیز با کاربرد زور و فشار صورت می‌گیرد. از نظر یونسکو همکاری فرهنگی بین‌المللی در انحصار دولتها نیست و موسسات غیر دولتی و اشخاص حقیقی نیز می‌توانند در این امر فعال باشند.

### ترویج صنعت جهانگردی

یونسکو صنعت جهانگردی را عامل مهمی در افزایش تفاهم میان ملل و روند رو به رشد جهانی شدن می‌داند.

### ترویج جریان آزاد اطلاعات

یونسکو تلاش می‌کند تا تسهیلاتی در جریان آزاد افکار از طریق کلام و تصویر با هدف آشنایی و تفاهم ملتها فراهم نمایند.<sup>(۱)</sup>

### نظام ارزشی در فرهنگ جوامع آینده

یکی از مهمترین متغیرهای تشکیل دهنده نظام فرهنگی، نظام ارزشهاست. ارزشها از بعد جامعه‌شناسی، اموری هستند که نزد افراد یا گروهها مهم و مطلوب می‌باشند. نظام ارزشی در جامعه، تحت تأثیر ساختارها و رفتارهای اجتماعی قرار دارد. با توجه به تغییرات و تحولات احتمالی در آینده، نظام ارزشی و رفتاری نیز در برخی موارد، احتمالاً دستخوش تغییراتی قرار خواهد گرفت. برخی از سلسله مراتب ارزشی مردم تثبیت شده و بعضی دیگر دگرگون خواهد شد. در ذیل اهم

۱- یونسکو و طرح گفت و گوی تمدن‌ها دریچه‌ای به سوی صلح، نوشته مجید بزرگمهری و علی نصیری طوسی. کتاب چپستی گفت و گوی تمدن‌ها. ص ۲۷۶ - ۲۶۷.

تحولات ارزشی احتمالی به اختصار مورد بحث قرار می‌گیرد.

### شکوفایی انسانی و توسعه فرهنگ انسان‌گرایی

انسان‌ها باید بیاموزند که استعدادهای خود را شکوفا سازند، برای خود احترام به دست آورند، با یکدیگر همکاری کنند و دیوان سالاری را محدود سازند. این درس‌هایی است که باید از تاریخ بگیریم. انسان باید محور تمامی کارها قرار گیرد. در تمامی زمینه‌ها، هدف نهایی باید انسان باشد.

استعدادهایی را که در هر بشری وجود دارد چنان بارور کرد که ما را از بن‌بستی که توسعه تمدن مادی پدیدآورده است رهایی بخشد. در هر مرد و زنی تواناییهای با ارزش و نامحدودی در زمینه‌های تفاهم، تخیل، خلاقیت و نوآوری، بردباری و سازگاری، همبستگی و همزیستی با هم‌نوعان و همدردی و احترام به سایر موجودات زنده وجود دارد.

ایجاد رابطه مشارکت جویانه با طبیعت، جهت‌گیری به سوی ارزشهای معنوی است. اگر بتوانیم این تواناییهای انسانی را بسیج کنیم و به شکل خردمندانه به کار بگیریم، خواهیم توانست به حوزه سیاسی، اجتماعی، و محیط طبیعی سر و سامان بدهیم. انسانها باید در خدمت انسانیت قرار گیرند. پس رشد و توسعه اقتصاد، علم و فن‌آوری و نظام اداری هر قدر هم که مهم باشند، باید در مرحله دوم اهمیت قرار گیرند و هدفشان خدمت به انسانها باشد. امروز هیچ وظیفه اخلاقی و حیاتی بزرگتر از این برای بشر وجود ندارد.<sup>(۱)</sup>

آدام شاف معتقد است: «انسان در حال آموزش می‌تواند تحقق رویاهای نخستین انسان‌گرایان بزرگ باشد. انسان‌گرایانی که می‌خواستند نوعی انسان با خصلت جهانی، یعنی انسان کارآمدی که قادر به تغییر شغل و حرفه خود خواهد بود. این مطلب به دلیل فراگیر بودن آموزشی است که فرد دیده است. چنین فردی می‌تواند موقعیت خود را نیز که تابعی از تقسیم اجتماعی کار است، تغییر دهد. رخدادی که تاکنون فقط رویایی بیش نبود.<sup>(۲)</sup>

به نظر شاف در عصر آینده، کیفیت حیات انسان متحول می‌شود و انسان به صورت انسان جهان‌شمول و انسان بازیگر پا به عرصه وجود می‌گذارد و درست در این وضعیت، ترجمان وضعیت

۲- آدام شاف، ۱۳۱۵، ص ۱۷۱ - ۱۱۰

۱- همان، ص ۴۲ - ۴۰



انسان نوینی است که عصر جدید با خود به ارمغان می‌آورد.

نیازمند این مطلب هستیم که خود را به نظامی از اخلاقیات، انصاف و تناسب، تجهیز کنیم.<sup>(۱)</sup> روند اقتصادی و تکنولوژیک به دنیای «بدون مرز» منتهی می‌شود که می‌تواند به کشمکش‌های بازرگانی و بی‌ثباتی اجتماعی منجر شود.<sup>(۲)</sup>

اگر قرار باشد نسل بشر پایدار بماند، باید گرایش به ابتکار و خلاقیت او بر گرایش‌های سنتی تفوق یابد. امروز وقت آن است که حال را در پرتو آینده بررسی کنیم، زیرا آینده در برابر ماست و می‌توانیم آن را شکل بدهیم. ما توانایی و استعداد آن را داریم تا آینده را چنان که می‌خواهیم بسازیم. برای اینکه به چنین هدفی برسیم ضرورت دارد که حال را در اختیار آینده قرار دهیم.

در جهان فرهنگی آینده باید یاد بگیریم که جهان را براساس الگوی «هم این و هم آن» و نه براساس الگوی «یا این یا آن» درک کنیم این طرز تلقی متکبرانه «همه چیز یا هیچ چیز» یکی از خصیصه‌های اخلاقی رایج است که در آن وقتی ارزشی مطلق شد و به صورت معیار ارزشی واحد درآمد، امکان هر نوع مصالحه و حل انعطاف‌پذیر مساله از بین می‌رود و در نتیجه فرایند اخلاقی به ضد اخلاقی تبدیل می‌شود.

الگوی «یا این یا آن» بر این پیش فرض قرار گرفته است که چیزها به هم ربطی ندارند و ارزشگذاری‌ها را می‌توان جایگزین یکدیگر کرد. این امر به داوریه‌های یک جانبه، به راهبردهای تهاجمی استثمارگرانه و حق به جانب و به تلاش در جهت خود محوری می‌انجامد.

اگر جهان را با الگوی هم این و هم آن (یعنی با منطق ربط چیزها با یکدیگر) و نه براساس «یا این و یا آن» (یعنی تجزیه امور به اجزایی جدا از هم) نگاه کنیم. تحمل و همدردی بیشتر می‌شود و شاید از این طریق بتوانیم اخلاق را دوباره زنده کنیم.<sup>(۳)</sup> تحول نظام ارزشی یا رفتاری از مادی به فرامادی در جامعه انفورماتیک، ثروت مادی ارزش خود را از دست خواهد داد و انباشت ثروت مانند جمع‌آوری ذخیره غذایی مورچگان امری بیهوده و غیرانسانی تلقی خواهد شد. تغییرات مهمی در زمینه‌های اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی جامعه به وجود خواهد آمد. تغییرات مهمی در زمینه‌های

۲- همان، ۱۳۷۲، ص ۴۷۳.

۱- پل کندی، ۱۳۷۲، ص ۴۸۶.

۲- همان، ص ۲۳۸ - ۲۳۷.

اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی جامعه به وجود خواهد آمد. تغییراتی که نظام آموزشی و رفتاری آینده را با امروز بسیار متفاوت خواهد کرد.

آنچه برای انسان مهم است «هستی» اوست. اولویت و تقدم هستی به مثابه یک ارزش، «ارزشی که بیانگر این است که انسان چیست و چگونه است»، پیامدهای دیگری نیز در زمینه معیار ارزش اجتماعی پدید خواهد آورد. این جهش به کار خلاقه اصالت می‌بخشد و بدین طریق منزلت والایی برای موجدین آن ایجاد می‌کند. وبزرگی در ادراک و احساس فرد ایفا می‌کند. این وضعیت در جوامع فوق صنعتی به طور جدی در حال تکوین است و ارزش دیگری که بر جامعه صنعتی به شکلی مناسب در حال عرضه است، مقوله آزادی و رهایی بشر از چنگال حرصها و بیم‌هاست. امروز آزادی به مثابه یک ارزش دارای عملکردی است که در سلسله مراتب ارزشهای پذیرفته شده اجتماعی. نقش بزرگی در ادراک و احساس فرد ایفا می‌کند.

درباره موضوع ارزش باید به نکته بسیار مهم دیگری نیز اشاره کرد و آن اعتقادات مذهبی است که به منزله یک ارزش در جامعه انفورماتیک آینده مطرح است. چرا که علم قادر به ارائه حقیقت کامل و مطلق به انسان نیست و نمی‌تواند به کلیه مسائل مربوط به انسان و حیات بشری و نیز مسائل مابعدالطبیعه پاسخ دهد.

بدین ترتیب در آینده نه فقط دانش و توسل روان‌شناسانه قابل درک انسانها در جهت اعتقادات مذهبی عمل می‌کند بلکه برای پیشرفت و داشتن وجدان کاری هیچ چیز بالاتر از باورهای مذهبی نخواهد بود.<sup>(۱)</sup>

نتایج مطالعاتی که رونالد اینگلهارت در کشورهای اروپایی و ژاپن انجام داده، حاکی از این مطلب است که نظام ارزشی فرامادی نسبت به نظام ارزشی مادی رو به توسعه بوده است. در دهه هفتاد میلادی نسبت مادیون به فرامادیون ۴ به ۱ بود. در صورتی که در سال ۱۹۸۸ این نسبت ۴ به ۳ شد و در سال ۲۰۰۰ احتمالاً این دو نسبت برابر شده و نظام هنجاری جامعه تغییر خواهد کرد. (اینگلهارت، ۱۹۸۶)

### راهبردهای گسترش آموزه گفتگوی تمدنها در آموزش و پرورش

حال که راهبردهای همکاری فرهنگی در جهان آینده به طور عام مطرح شد. به جاست که راهبردهای آموزه گفتگوی فرهنگ‌ها از طریق نظام آموزش و پرورش رسمی مورد بررسی قرار گیرد.

آموزش و پرورش رسمی در دنیای امروز می‌تواند به عنوان کلیدگشایش آموزه ارتباط فرهنگی بین ملل مختلف قرار گیرد. در ذیل سعی می‌شود راهبردهای تحقق این امر مورد بررسی قرار گیرد. از جمله ابزارهای آشناسازی دانش‌آموزان با فرهنگ دیگر ملل، کتابهای درسی می‌باشند.<sup>(۱)</sup>

۱ - طراحی محتوای مناسب جهت آشناسازی دانش‌آموزان از طریق - ترسیم فرهنگ دیگر ملل در کتابهای درس می‌تواند سهم به‌سزایی در زمینه سازی ارتباط فرهنگی با دیگر ملتها داشته باشد. آشناسازی مذکور می‌تواند در ابعاد مختلفی چون موارد زیر باشد:

- آشنایی با نظام خانواده و الگوهای ارتباطی اعضای خانواده و سبک‌های تربیت فرزند.
- آشنایی با نظام سیاسی و سبک اداره کشور (فرهنگ سیاسی)
- آشنایی با نظام اقتصادی و رفتارهای اقتصادی (فرهنگ اقتصادی)
- آشنایی با نظام اعتقادات دینی و باورها و نظام ارزشی و اساطیر...
- آشنایی با نظام اخلاقی
- آشنایی با نظام هنجاری (مراسم‌ها، سنتهای مختلف، آداب و رسوم و...)
- آشنایی با سبک‌های زندگی مردم.
- آشنایی با ادبیات و گویش (ادبیات رسمی و ادبیات شفاهی داستانها، افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و...)
- آشنایی با هنرهای هفت‌گانه دیگر ملل.
- آشنایی با مشاهیر دیگر ملل (مشاهیر علمی، ادبی و ورزشی، سیاسی، مخترعین، مکتشفین)
- آشنایی با شیوه‌های گذران اوقات فراغت، سرگرمی‌ها و...
- آشناسازی با تاریخ و پیشینه تاریخی اقوام و ملل

با بررسی انجام شده و تحلیل محتوای کتابهای دوره ابتدایی توسط اسماعیلی و خدادادی و جهانگیری ارتباط فرهنگی در کتابهای درسی در حد آشنایی دانش‌آموزان با شهرهای مذهبی و توصیف وضعیت جغرافیایی و تاریخی برخی از کشورهای اسلامی و برخی از رفتارهای مذهبی می‌باشد.

- آشناسازی با اوضاع طبیعی، جغرافیایی  
- آشنایی با ویژگی‌های قومی و نژادی دیگر ملل .
- ۲ - وضع پروتکل همکاری فرهنگی مبنی بر بازدید دانش‌آموزان و معلمان از کشورهای یکدیگر با هدف آشنایی با فرهنگهای و شیوه‌های زندگی مردم جوامع مختلف.
- ۳ - ایجاد سازمانهای دانش‌آموزی غیردولتی جهت ایجاد و تعمیق ارتباطات فرهنگی بین مردم و جوامع مختلف .
- ۴ - ایجاد همکاری‌های مشترک بین مدارس کشورهای مختلف در مقابله با بحرانهای زیست محیطی، فجایع طبیعی مثل زلزله، سیل، طوفان و هم‌چنین مصائب انسانی نظیر جنگ و خونریزی با مشارکت مستقیم و غیرمستقیم معلمان و دانش‌آموزان .
- ۵ - انجام طرح «پیمان ارتباط، صلح و دوستی» بین مدارس در کشورهای مختلف .
- ۶ - تبادل معلم در آموزش زبان و فرهنگ دیگر کشورها.
- ۷ - ایجاد سازمان غیردولتی معلمان با هدف عمیق ارتباط و گسترش صلح و دوستی بین مردم کشورهای مختلف.
- ۸ - ایجاد بزرگراه اطلاعاتی، ارتباط فرهنگی در شبکه جهان گستر اینترنت .
- ۹ - ایجاد تلویزیون جهانی «آموزش، فرهنگ و صلح».
- ۱۰ - اجرای پروژه دیدار، آشنایی و تبادل تجربه با یکدیگر.
- ۱۱ - برگزاری مسابقات ورزشی، هنری (نقاشی، کاریکاتور، عکس، مقاله نویسی، انشاء در زمینه گفتگوی فرهنگها). در بین دانش‌آموزان، کادر آموزشی و والدین .

## منابع و ماخذ

- ۱ - آشوری، داریوش (۱۳۵۷)، تعریفها و مفهوم فرهنگ، مرکز نشر فرهنگ آسیا.
- ۲ - اسماعیلی، رضا، (۱۳۷۸)، جهان فردا و فرهنگ آینده، نشریه فرهنگ اصفهان، شماره ۱۴.
- ۳ - اسماعیلی، رضا، (۱۳۷۹)، فرهنگ و جنسیت، نشریه فرهنگ اصفهان، شماره ۱۷ - ۱۸.
- ۴ - امیری، مجتبی، (۱۳۷۴)، نظریه برخورد تمدنها، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.
- ۵ - اینگلهارت رونالد (۱۹۸۶)، تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران انتشارات کبیر.
- ۶ - بزرگمهری، مجید و علی نصیری (۱۳۷۷)، چیستی گفت و گوی تمدنها، اشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۷ - پیران، پرویز، (۱۳۷۷)، انتخاب نو، تهران طرح نو.
- ۸ - جعفری، محدثقی، (۱۳۷۳)، فرهنگ پیشرو و پیرو، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۹ - حقدار، علی اصغر، (۱۳۷۸)، گفتمان فرهنگی، سیاسی خاتمی، تهران انتشارات شفيعی.
- ۱۰ - خاتمی، محمد، (۱۳۷۷)، از دنیای شهر تا شهر دنیا، تهران نشر نی.
- ۱۱ - خاتمی، محمد، (۱۳۷۷)، بیم موج، تهران، موسسه سیمای جوان.
- ۱۲ - روح الامینی، محمود، (۱۳۶۸)، زمینه فرهنگ شناسی، تهران، انتشارات عطار.
- ۱۳ - سی دش، مایکل، (۱۳۷۷)، مقاله برخورد فرهنگ، ترجمه محمدرضا سعیدآبادی، فصلنامه مطالعات راهبردی.
- ۱۴ - کاویانی، حمید، (۱۳۷۸)، رمز پیروزی یک رئیس جمهور، تهران، نشر و تحقیقات ذکر.
- ۱۵ - کندی، پل، (۱۹۹۳)، در تدارک قرن بیست و یکم جهان تا سال دوهزار و بیست و پنج میلادی، ترجمه عباس مخبر، تهران طرح نو.
- ۱۶ - گرانیپایه، بهروز، (۱۳۷۷)، فرهنگ و جامعه، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۷ - گیدنز، آنتنی، (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
- ۱۸ - محمدی اصل، عباس، (۱۳۷۹)، مقاله درآمد در جامعه شناسی مناسبات فرهنگی تمدنها،

مجله فرهنگ و توسعه شماره ۴۷.

۱۹ - مجله فرهنگ عمومی شماره شش، (۱۳۷۵)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی .

۲۰ - لسنکی، گرهارد، (۱۳۶۹)، سیر جوامع بشری، ترجمه ناصر موفقیان، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی .

۲۱ - ووگل، ازرف، (۱۹۷۹)، ژاپن کشور شماره یک، ترجمه علی اسدی و خوارزمی، تهران، نشر فرهنگ.

۲۲ - یونسکو، (۱۳۷۶)، فرهنگ و توسعه، ترجمه نعمت اله و محمد فاضلی انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی .

۲۳ - یونسکو، (۱۹۷۹)، اندیشه غربی و گفتگوی تمدنها، ترجمه فریدون بدره‌ای و پرهام، تهران، انتشارات فرزاد .

24- [WWW.dialoguecentre.org/faq.htm](http://WWW.dialoguecentre.org/faq.htm)

25- [WWW.un.int/iran/dialog02.html](http://WWW.un.int/iran/dialog02.html)

26- White.leslie (1973) ` the concept of culture ` burgess publishing co

27- parsons ` talcot (1951) ` social system ` new york ` the free press